



گنج‌یابی در اردو

سید میثم موسوی

تصویرگر

دکتر فریدالدین حداد عادل



البته هر مجموعه‌ای برای برنامه‌ریزی و انسجام و ارتقای توانمندی‌های خود نیازمند الگوها و روش‌های ثابتی است. یعنی مسجد، مدرسه و دانشگاه نمی‌توانند مدام روش‌های اصلی خود را تغییر بدهند. اما واقعیت این است که در این‌گونه فعالیت‌های تکراری و مستمر، بخش مهمی از ظرفیت‌های انسان‌های درگیر کشف نمی‌شود. ما در مدرسه در عمل بر چند عامل مشخص تأکید می‌کنیم. درس خواندن، انضباط فردی و جمعی، ادب فردی و اجتماعی، و برخی جنبه‌های شخصیتی و اخلاقی. اما در یک قالب معمولی و دائمی، خیلی از توانمندی‌های مخاطبان کشف نمی‌شود. همین موضوع در مورد معلمان هم وجود دارد. به یاد دارم، سال‌ها با یک معلم تاریخ آشنایی و همکاری داشتم و چون دایره آشنایی ما به روابط کاری محدود می‌شد، تا مدت‌ها نمی‌دانستم او یک گریمر ورزیده و تواناست. یا دانش‌آموزی را به یاد دارم که خیلی خوب شطرنج بازی می‌کرد و در چند بازی فکری دیگر، بسیار توانا بود. اما تا وقتی که به اردو نرفتیم و بچه‌ها فرصت

اردو مجموعه‌هایی است که فارغ از روش‌ها و قالب‌های مرسوم، در یک محیط فرهنگی انجام می‌گیرند. سخن را با این سؤال آغاز می‌کنم که وقتی یک نهاد آموزشی در برنامه‌های خود اردو ندارد، چه چیزی ندارد؟ آیا برگزاری اردو برای محیط‌هایی فرهنگی نظیر مدرسه، دانشگاه و مسجد یک اقدام ضروری است یا خیر؟

ما به‌طور معمول فعالیت‌هایمان را در یک قالب متداول و سازمان‌دهی‌شده آماده می‌کنیم. برای مثال، در مسجد برگزاری نماز جماعت، مراسم دعا و عبادت و آیین‌های ویژه برخی مناسبت‌ها و پخش غذای نذری. در مدرسه رأس یک ساعت معین کلاس‌ها آغاز می‌شوند، تعداد زیادی دانش‌آموز چند ساعت متوالی در کلاس‌ها حضور می‌یابند، برنامه‌هایی نظیر آزمون برگزار می‌شوند و مکانی به نام آزمایشگاه و کتابخانه در مدرسه هست. گاهی هم بچه‌ها فرصت پیدا می‌کنند در زنگ تفریح و ورزش کمی از این قالب تکراری دور شوند. این روند تقریباً طی دوازده سال تکرار می‌شود.

پیدا نکردند بازی فکری انجام دهند، چیره‌دستی او در این بازی‌ها مشخص نشد؛ چرا که فعالیت‌های مدرسه حول چند عامل مشخص بود و بازی فکری در آن زمان تعریف نشده بود. جالب‌تر اینکه فهم توانمندی او در بازی‌های فکری، به کشف استعداد خاصی در این کودک منجر شد که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

در دهه هشتاد هم دانش‌آموزی داشتیم که استعداد ادبی خوبی داشت و ما فکر می‌کردیم در آینده شاعر، نویسنده یا معلم ادبیات خوبی خواهد شد. برای همین سعی می‌کردیم او را به این مسیر سوق دهیم. اما در یک اردو متوجه شدیم او در آشپزی تبحر دارد. بدین معنا که می‌تواند غذاهایی نظیر سالاد الویه، برنج و ماکارونی را در حجم چهل، پنجاه نفری برای دانش‌آموزان و هم‌کلاسی‌ها آماده کند؛ با این اتفاق، نگرش ما نسبت به او تغییر کرد. نگاه او هم نسبت به خودش عوض شد، امروز ایشان گرچه در حوزه فرهنگ و ادب ید طولایی دارد، اما در یک مرکز طبخ و توزیع غذا هم دست‌ی دارد و برای خودش درآمدزایی مطلوبی فراهم کرده است.

کشف یک پدیده

آقای **یوسین بولت** در حال حاضر معروف‌ترین دوندۀ تاریخ جهان است. او کتابی دارد به اسم «داستان من؛ سریع‌ترین مرد جهان» که در سال ۲۰۱۰ به چاپ رسیده است. خواندنی‌ترین سطرهای کتاب به مدل کشف استعداد او اختصاص دارد. بولت معروف‌ترین دوندۀ جهان نمی‌شد، اگر یکی از معلمان او در مدرسه حین گردش و بازی، به سرعت بسیار زیاد او پی نمی‌برد! معلم او با دیدن سرعت بالای یوسین، موضوع را به مدیر مدرسه و خانواده اطلاع می‌دهد. بولت را در برخی از رقابت‌های دو و میدانی شرکت می‌دهند... و یک نگاه کنجکاو، در محیطی غیر از کلاس درس توسط یک معلم هوشیار، باعث می‌شود بولت در پانزده سالگی اولین مدال جهانی‌اش را کسب کند.

ما معلم‌ها اگر خوب به محیط اطراف و پیرامون خود نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد به نمونه‌های زیادی از اتفاقات مشابه در محیط‌های ما وجود داشته‌اند. به خصوص در میان دانش‌آموزانی که به ظاهر در درس چندان قوی نبوده‌اند و با معیارهایی که کارنامه رقم می‌زند، مانند: معدل و نمره انضباط و نمرات ریاضی و املا و فیزیک، در دوره‌های گوناگون، جزو دانش‌آموزان قوی مدرسه محسوب نمی‌شدند. اگر می‌خواهیم به رسالت‌های شغلی خود عمل کنیم؛ نیازمند طراحی فرصت‌هایی هستیم که شاگردان و دانش‌آموزان ما بتوانند؛ برخی قابلیت‌های پنهان خودشان را نشان بدهند. بعضی از این امور، از دید مدرسه پنهان

هستند و برخی دیگر در لایه‌های پنهان شخصیتی و رفتاری دانش‌آموز قرار دارند. باید کمک کنیم این گنج‌های پنهان شخصیتی و رفتاری دانش‌آموز به ظهور برسند.

زمان تغییر

در سند تحول آموزش و پرورش، ساحت‌های شش‌گانه تربیت به‌عنوان مبنای رشد متوازن دانش‌آموزان تعریف شده است. اما در شرایط فعلی، آموزش و پرورش قابلیت شناسایی دقیق استعدادهای دانش‌آموزان در تمام این ساحت‌ها را ندارد. فقط در قالب انواع اردوها و بیرون از چارچوب‌های رایج است که می‌توان به تحقق این ساحت‌ها در وجود دانش‌آموزان امیدوار بود. از طرف دیگر، اردو علاوه بر دانش‌آموزان، فرصت‌های نابی را برای بروز استعدادهای پنهان مربیان و معلم‌های جوان نیز فراهم می‌کند و

توانمندی‌های آنان را رشد می‌دهد. ما در فضای اردو می‌توانیم به‌راحتی الگوها و محیط‌های یادگیری را تغییر دهیم. دانش‌آموزان و مربیان فرصت پیدا می‌کنند استعدادهای و قابلیت‌های یکدیگر را در محیطی متفاوت متبلور کنند و موجب ظهور توانمندی‌های یکدیگر شوند.

برگزاری اردو قابلیت‌های فردی و جمعی تیم مدرسه را هم نشان می‌دهد. یادم هست، در اوایل دهه نود، همراه با دانش‌آموزان، به یک اردوی کار و جهاد رفته بودیم. آنجا چند بیماری و

سانحه و اتفاق فوری پیش آمد و ما متوجه نقص‌های خود شدیم. فهمیدیم که باید با مهارت‌های امداد و نجات آشنا باشیم و بعضی کمک‌های اولیه در حین کوه‌نوردی و شرایط دشوار را آموخته باشیم. دانستیم که باید کمی داروشناس باشیم و شناختمان از دانش‌آموزان خیلی بیشتر باشد. چون دانش‌آموزی که مشکل ریوی داشت و به ما نگفته بود، در کوهستان دچار عارضه ریوی شد و ما را به دردسر انداخت. از آن پس دریافتیم که همکاران ما باید مهارت‌های گوناگونی را کسب کنند که پیش از آن، احساس نیاز نمی‌کردند.

از نگاه نگارنده، یکی از شاخص‌های کیفی نهادهای تربیتی آموزشی قوی، توانمندی‌های آن‌ها در برگزاری مؤثر انواع اردوهاست. خوشبختانه امروزه به فعالیت‌های اردو بیش از گذشته بها داده می‌شود، طوری که گروه‌هایی در سراسر ایران و جهان برنامه و تخصص خودشان را برگزاری انواع اردوها تعریف کرده‌اند. ما نیز برای همراه‌بودن با این موج تحول، باید به فکر ارتقای هرچه بیشتر خود در این زمینه باشیم؛ زیرا مدرسه بدون اردو، در واقع فرصت‌های نابی را از بچه‌ها دریغ می‌کند.



اردو علاوه بر دانش‌آموزان، فرصت‌های نابی را برای بروز استعدادهای پنهان مربیان و معلم‌های جوان نیز فراهم می‌کند

